

معانی جسمانی در فلسفه اسلامی

تألیف دکتر ایزدیه دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبائی

دکتر محسن ایزدی

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

سرشناسه	: ایزدی، محسن، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور	: معاد جسمانی در فلسفه اسلامی: با تأکید بر دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبائی / محسن ایزدی.
مشخصات نشر	: قم: دانشگاه قم، انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۲۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
ادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۳ - ۲۱۶.
موضوع	: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ ق. - دیدگاه درباره معاد
موضوع	: Sadraddin shirazi Muhammad ebn Ebrahim—View on eschatology
موضوع	: طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۰-۱۳۸۱.
موضوع	: Tabatabai, sayyed Muhammad Husayn
موضوع	: معاد
موضوع	: Resurrection (Islam)
موضوع	: فلسفه اسلامی
موضوع	: Islamic Philosophy
موضوع	: فی سوفان اسلامی
موضوع	: Muslim philosophe
شناسه افزوده	: دانشگاه قم انتشارات
رده بندی کنگره	: BBR ۵۵ / م ۲۵ / ۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۸۹ / ۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۳ / ۲۴۶

انتشارات دانشگاه قم

عنوان: معاد جسمانی در فلسفه اسلامی

مولف: محسن ایزدی

شمارگان: ۵۰۰

چاپ و صحافی: هوشنگی

طراح جلد: زهرا ایزدی

ناظر فنی: علیرضا معظمی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

صفحه‌آرا: حسین معانی

بهاء: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۲۰-۱

ISBN: 978-600-8436-20-1

Publication@ Qom. ac.ir: آدرس الکترونیکی

کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.

قم، بلوار غدیر، دانشگاه قم، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۴۴ / ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۴۵ / ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۴۵

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۹
----------------	---

فصل اول: در آمدی بر معاد..... ۱۵

مقدمه.....	۱۵
آیاتی از قرآن مجید درباره معاد جسمانی.....	۱۶
سه دیدگاه متفاوت درباره کیفیت معاد.....	۲۶
۱. معاد فانی جسمانی است.....	۲۶
۲. معاد فقط جسمانی است.....	۲۷
۳. معاد هم جسمانی و هم روحانی است.....	۲۹
دیدگاه فیلسوفان متکلمان قبل از ملاصدرا درباره معاد.....	۳۰
۱. دیدگاه فلاسفه.....	۳۰
۲. دیدگاه ابن‌سینا.....	۳۱
۳. دیدگاه شیخ اشراق.....	۵۱
۴. دیدگاه غزالی.....	۵۳
۵. دیدگاه متکلمان.....	۵۷

فصل دوم: دیدگاه ملاصدرا درباره معاد جسمانی..... ۵۹

مقدمه.....	۵۹
اصول و مبانی فلسفی ملاصدرا برای اثبات و تبیین معاد جسمانی.....	۶۰
اصول و مبانی هستی‌شناختی.....	۶۱
۱. اصالت وجود.....	۶۱
۲. تشخیص موجود.....	۶۲
۳. وحدت تشکیکی وجود.....	۶۵
۴. حرکت جوهری.....	۶۶
۵. شبیهیت و حقیقت موجود.....	۶۸
۶. اندراج همه کمالات موجود دانی در موجود عالی.....	۷۲
۷. صدور صور و مقادیر جسمانی از فاعل، یا مشارکت و بدون مشارکت ماده.....	۷۴
۸. عالم‌های سه گانه (عالم ماده، عالم مثال و عالم عقل).....	۷۸

۸۰	اصول و مبانی انسان‌شناختی
۸۰	۱. شئییت و حقیقت انسان
۸۴	۲. تجرد قوه خیال و قدرت آن بر انشاء صور جسمانی
۹۰	۳. چیستی ابصار
۹۲	۴. عالم‌های سه‌گانه انسانی (حسن، خیال و عقل)
۹۵	۵. چیستی مرگ طبیعی
۱۰۱	جمع‌بندی اصول و مبانی فلسفی و به‌کارگیری آنها در تبیین معاد جسمانی
۱۰۳	اصول
۱۰۳	۶. مبانی تفسیری ملاصدرا در اثبات و تبیین معاد جسمانی
۱۰۴	۷. ظاهر و باطن قرآن کریم
۱۱۴	۸. تفسیر و تأویل قرآن کریم
۱۲۰	۹. محکمات و مشبهات قرآن کریم
۱۲۵	جمع‌بندی اصول و مبانی تفسیری و به‌کارگیری آنها در تبیین معاد جسمانی
۱۳۰	تبیین معاد جسمانی ملاصدرا از منظر اسفار اربعه
۱۳۰	۱. ابطال تناسخ
۱۳۱	۲. وحدت نفس انسان بر حسب تعدد مراتب و قیاس آن
۱۳۳	۳. ملکات نفس انسان و ارتقاء مراتب
۱۳۵	۴. سعادت و شقاوت اخروی انسان
۱۳۸	۵. تفاوت‌های انسان‌ها در فهم حقیقت
۱۴۰	۶. ضرورت معاد جسمانی و کیفیت تحقق آن
۱۴۲	۷. تبیین برخی اصطلاحات قرآنی و روایی مربوط به معاد
۱۴۵	نتایج و جمع‌بندی نکات مهم معاد جسمانی مورد نظر ملاصدرا
۱۴۵	۱. عینیت بدن اخروی با بدن دنیوی
۱۴۶	۲. رد قاطع انحصار معاد در معاد روحانی از طریق تأویل آیات و روایات
۱۴۹	۳. جایگاه و کارکرد ویژه قوه خیال در معاد جسمانی
۱۵۳	۴. تحقق عینی (و نه صرفاً ذهنی و خیالی) جسم اخروی
۱۵۷	۵. تفاوت بنیادین آخرت با دنیا
۱۵۷	۶. معنای عذاب و پاداش در قبر
۱۵۸	۷. تجسم اعمال در آخرت
۱۵۹	۸. جایگاه مقربین در آخرت
۱۶۰	۹. نزدیکی دنیا و آخرت

فصل سوم: دیدگاه‌های فلاسفه بعد از ملاصدرا دربارهٔ معاد جسمانی ۱۶۳

مقدمه.....	۱۶۳
دیدگاه علامه طباطبائی دربارهٔ معاد جسمانی.....	۱۶۴
بایگاه اصول فلسفی معاد جسمانی ملاصدرا در هندسه معرفتی علامه طباطبائی.....	۱۶۵
بایگاه اصول تفسیری معاد جسمانی ملاصدرا در هندسه معرفتی علامه طباطبائی.....	۱۶۹
۱. ظاهر و باطن قرآن کریم.....	۱۷۰
۲. سیر و تأویل قرآن کریم.....	۱۷۵
۳. محکمات و متشابهات قرآن کریم.....	۱۷۷
۴. اندیشه‌های معاد جسمانی ملاصدرا نزد علامه طباطبائی.....	۱۸۰
۱. پیش‌فرض‌های علامه طباطبائی.....	۱۸۲
۲. الهامات و کاشفات علامه طباطبائی.....	۱۸۴
سیره علمی علامه طباطبائی.....	۱۸۷
نتایج و جمع‌بندی دیدگاه علامه طباطبائی.....	۱۸۹
دیدگاه حکیم مدرس زنوزی دربارهٔ معاد جسمانی.....	۱۹۵
دیدگاه حکیم محمدتقی آملی دربارهٔ معاد جسمانی.....	۱۹۹
دیدگاه میرزا احمد آشتیانی دربارهٔ معاد جسمانی.....	۲۰۱
دیدگاه علامه رفیعی قزوینی دربارهٔ معاد جسمانی.....	۲۰۳
دیدگاه استاد مطهری دربارهٔ معاد جسمانی.....	۲۰۶
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۰۹
کتاب‌نامه.....	۲۱۳

پیش‌گفتار

پویایی هر دانشی منوط به تحقیق و پژوهشی است که روش‌مندانه درباره مسائل آن دانش انجام می‌پذیرد. معاد، مهم‌ترین مسئله فلسفه و کلام و دومین اصل بنیادین همه ادیان آسمانی است. بررسی ابعاد مختلف این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که یک سوم از آیات شریفه قرآن کریم به آن اختصاص یافته است. مباحث معاد هیچ‌گاه کهنه و تکراری نخواهد شد؛ چه اینکه اندیشیدن درباره مبدأ و معاد (آغاز و انجام) مقتضای انسانیت انسان است. نه تنها از دیدگاه نطق دانان و فلاسفه، بلکه در نگرش دانشمندان سایر علوم و حتی عامه مردم، بارزترین تمایز انسان و حیوان «اندیشه» و «اندیشیدن» است. اما این پرسش مطرح می‌شود که اندیشیدن درباره چه موضوعی ملاک انسان‌بودن است؟ آیا اندیشیدن درباره چگونگی تهیه نوقه و پخت حفظ و نگهداری و جلوگیری از فساد آن ملاک انسانیت انسان است یا اندیشیدن درباره چگونگی تهیه مسکن و مأوایی آرامش‌بخش و یا اندیشیدن درباره چگونگی تشکیل اجتماعی منظم همراه با تشریک مساعی جهت تداوم حیاتی مسالمت‌آمیز؟

اما، مگر حیوانات - ولو با منشأ غریزی - چنین نمی‌کنند؟ مگر مورچه در فصل تابستان برای تأمین آذوقه زمستانه‌اش گندم جمع‌آوری نمی‌کند؟ مگر دانه‌های گندم را دو نیم نمی‌کند تا ماندنی‌تر گردند؟ مگر زنبور عسل خانه زیبای مسکن در زمین می‌سازد و مهندسی نمی‌کند و اجتماعی منسجم و پرتلاش را تشکیل نمی‌دهد؟ بنابراین آنچه انسان را از حیوان متمایز و متعالی می‌کند، اندیشیدن درباره حقیقتی ورای امور معیشتی و زندگی مادی دنیوی است که عبارت است از آغاز و انجام جهان و انسان؛ اندیشیدن درخصوص این پرسش که «آیا آفریننده عالم و آدم کیست (توحید) و مقصد و غایت عالم و آدم کجاست (معاد)». بر اساس این حقیقت، اندیشه فصل فاصل و فرق فارق انسان و حیوان است. کسانی که درباره آغاز و انجام عالم می‌اندیشند اگر در مسیر اندیشیدن دچار مغالطات بیرونی و درونی نشوند، به حقایق رسید و معاد واقف خواهند شد. همان‌گونه که گرایش به بقا و جاودانگی ریشه در فطرت انسان دارد، تفکر درباره معاد نیز از ذاتیات وجود انسان به شمار می‌رود و بدین‌سان باور به حیات اخروی، عمری به درازای عمر بشر دارد.

بر همین اساس بیشترین تأکید انبیا و ادیان، معطوف به این دو اصل اصیل بوده است. اعتقاد به اصل معاد و حیات جاودانه انسان وجه مشترک همه ادیان آسمانی است و حکمای الهی نیز در حقانیت این اصل هم‌رأی هستند، هر چند در مورد جزئیات و چگونگی تحقق معاد اختلاف نظر دارند. البته چنین چیزی دور از انتظار نیست، چراکه فهم حقیقت معاد برای انسان‌ها بسیار دشوار است، چنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام با این‌که در مسئله معاد به علم‌الیقین رسیده بود، از خداوند خواست که او را به مقام عین‌الیقین برساند: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمُتُؤْمِنِينَ قَالَ بَلَىٰ وَلَئِن لِّيَعْلَمِينَ قُلُوبِي...»^۱

آن یقین می‌گویدم خاموش کن حرص رؤیت گویدم نه، جوش کن

کیفیت تحقق معاد از جهت روحانی یا جسمانی بودن آن، بارزترین نمود اختلاف نظر اندیشمندان است. بدین جهت، نه اولاً، آیا انسان در آخرت فقط روح است یا فقط جسم یا مرکب از روح و جسم. ثانیاً، آیا عذاب و پاداش اخروی فقط روحی است یا جسمانی نیز می‌باشد؟ ثالثاً، اگر انسان در آخرت بدن جسمانی دارد، کیفیت این بدن چگونه است و چگونه تحقق می‌یابد؟

دشواری پاسخ به پرسش‌های معاد جسمانی در حدی است که برخی اندیشمندان به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کرده، به نفعی منک معاد جسمانی شده‌اند و جاودانگی را منحصر به روح انسان دانسته‌اند. در مقابل، پاره‌ای از متکلمان، تقدند معاد و حیات اخروی انسان فقط جسمانی است، چنان‌که حیات دنیوی او نیز فقط جسمانی است. این متکلمان علی‌رغم باور به خداوند و معاد، اعتقادی به روح مجرد ندارند و انسان را در بدن مادی منحصر می‌دانند.

گروه دیگری از باورمندان به حیات جاودانه، جاودانگی انسان را هم روحانی می‌دانند، هم جسمانی. به باور این گروه، وجود انسان هم در دنیا و هم در آخرت ترکیبی از روح و جسم جسمانی است؛ لذا پاداش‌ها و عذاب‌های اخروی (بهشت و جهنم) هم روحانی است و هم جسمانی. اما، در این دیدگاه هزار نکته باریک‌تر از مو وجود دارد؛ از جمله این‌که بدن انسان

در آخرت چگونه به وجود می‌آید؟ این بدن چگونه بدنی است؟ آیا عین همین بدن دنیوی است، یا مثل آن است؟ اگر عین آن است، آیا هم به لحاظ ماده و هم به لحاظ صورت عین آن است یا فقط به لحاظ صورت عین آن است؟ و در یک جمله، معاد جسمانی چگونه است؟ همه ادیان آسمانی بر معاد جسمانی تأکید دارند. در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام آیات و احادیثی وجود دارد مبنی بر این که در روز قیامت، هر انسانی با بدن خود محشور می‌شود؛ به طوری که حتی خطوط انگشتان دست او نیز مجدداً خلق می‌گردند؛ از این رو بدیهی است که اندیشمند مسلمان بخش عمده‌ای از تلاش فکری خود را به مسئله معاد و کیفیت آن اختصاص دهد. فیلسوف و متکلم مسلمان آن‌گاه که درباره آیات و روایات دال بر معاد جسمانی می‌اندیشد، باید برای خود (و دیگران) مشخص کند که آیا مقصود اصلی این متقولات شرعی، هر آن است یا این که می‌توان آن‌ها را تأویل و از ظاهر آن‌ها به باطنشان رسید. اگر مقصود ظاهر آن‌ها باشد، آیا ظاهر آن‌ها خردپذیر است یا خردستیز؟

برخی گفته‌اند: فلاسف مشاء مدعی معاد جسمانی بوده‌اند، چون آن را خردستیز یافته‌اند. ابن‌سینا که شیخ‌الرئیس مشائیر مسلمان است، می‌گوید: عقل از اثبات معاد جسمانی عاجز است، اما باید تسلیم سخن صادق متکلم و معاد جسمانی ایمان آورد. به نظر می‌رسد رئیس مشائیان مسلمان - حداقل در برخی حضان خود - به معاد جسمانی اذعان کرده است، اما لازم است تحقیق شود که آیا سخن ابن‌سینا مبنی بر عجز عقل انسان از اثبات معاد جسمانی، موضع فلسفی اوست یا سخنی است ناشی از مصالح تاندیشی و ملاحظات اجتماعی؟ در واقع می‌توان این پرسش را مطرح کرد که اصول فلسفی ابن‌سینا مستلزم کدامیک از موارد زیر است: انکار معاد جسمانی (اثبات خردستیزی معاد جسمانی) یا ناتوانی در اثبات یا انکار معاد جسمانی (اثبات خردگریزی معاد جسمانی و تأویل بودن آن). هریک از موارد فوق لوازم ویژه‌ای دارد که لازم است نقد و بررسی شود.

بر خلاف ابن‌سینا، برخی از فیلسوفان و متکلمان مدعی اثبات عقلانی معاد جسمانی هستند، چنان‌که عده‌ای گفته‌اند خداوند در قیامت قادر است عین بدن دنیوی هر انسانی را مجدداً بیافریند. برخی دیگر گفته‌اند ذرات بدن انسان روی کره زمین پراکنده است و خداوند قادر است آن ذرات را جمع‌آوری کند و عین بدن دنیوی هر انسانی را تشکیل دهد. برخی از آنان تفسیری از معاد جسمانی ارائه نموده‌اند که گویی آخرت، چیزی جز تکرار همین دنیا

نیست. پاره‌ای از آنان گفته‌اند که لازم نیست عین بدن دنیوی خلق شود، بلکه خداوند مجدداً یک بدن عنصری جسمانی مثل بدن دنیوی را برای هر انسانی می‌آفریند.

اما ملاصدراى شیرازی در این میان طرحی نو در انداخت و با استفاده از اصول فلسفی، تفسیری و عرفانی خود، تبیینی خردپسند و منطقی با ظاهر و باطن دین عرضه کرد. به نظر می‌رسد هدف اساسی همه مبانی فلسفی و تفسیری ملاصدرا اثبات معاد جسمانی باشد. ایشان در آخرین سفر از اسفار اربعه و نیز در کتب دیگر خود، اصول و مبانی لازم برای اثبات معاد جسمانی را بیان می‌کند و سپس به اثبات مقصود اصلی که غایت قصوای فلسفه اوست، می‌پردازد. ملاصدرا بر این باور است که معاد جسمانی مأخوذ از مبانی فلسفی او دقیقاً با آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام منطبق است اما نه از منظر ظاهراً گرایان، بلکه از دیدگاه کسانی که ضمن حفظ ظاهر بتواتر از ظواهر عوالم تکوین و تدوین عبور کرده، به بواطن آن‌ها نیز راه یابند.

بعد از ملاصدرا، فیلسوفانی که درک جان کلام وی نائل شده‌اند و بر هندسه معرفتی آن‌ها نظم منطقی و بر فضای روحیشان نسبی عرفانی حاکم بوده است؛ بر معاد جسمانی ملاصدرا صحه نهاده‌اند، هر چند برخی از آن‌ها - علی‌رغم اذعان به تبیین ملاصدرا از معاد جسمانی - مصلحت را در کتمان آن دیده، در خصوص چگونگی معاد جسمانی موضع «تقیه» اتخاذ کرده‌اند. در کتاب پیش‌رو با روشی بدیع اثبات شده است که علامه طباطبائی در این جرگه از فیلسوفان قرار دارد.

برخی از پیروان ملاصدرا، علی‌رغم شیفتگی و اعتقاد جازم به فلسفه ملاصدرا به مهم‌ترین دستاورد این فلسفه، یعنی اثبات فلسفی - عقلی معاد جسمانی به دست آورده‌اند و نگریسته و حتی چنین رویکردی به معاد جسمانی را مردود شمرده‌اند. از این‌رو باید بررسی کنیم که آیا ملاصدرا در استنتاج چنین نتیجه‌ای از مبانی و اصول خود، دچار اشتباه شده است؟ این که در مبانی و اصول او خدشه‌هایی وجود دارد؟ همچنین باید بررسی شود که پیروان مذکور، در این تردید و انکار، دچار اشتباه شده‌اند یا چنین مواضعی ناشی از ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های اجتماعی بوده است؟ آیا در مسیر استدلال و فلسفه‌ورزی می‌توان مقدماتی را عقلی دانست و بر کرسی اثبات نشاند، اما از پذیرش نتیجه آن سرباز زد؛ و یا این که اصولاً چنین روشی با روش و تفکر فلسفی سازگار نیست؟ از آن گذشته، آیا این

فیلسوفان و متکلمان صدرایی مشرب، موضع خود مبنی بر خردپذیر یا خردگریز یا خردستیز بودن معاد جسمانی را تعیین و تبیین نموده‌اند؟ و در نهایت، آیا آن‌ها روش تأویلی ملاصدرا در تفسیر قرآن را درست می‌دانند یا خیر؟

تحلیل و بررسی مبسوط همهٔ مسائل فوق از عهده این کتاب خارج است، اما به قدر مقدور تلاش می‌کنیم تا به مهم‌ترین این مسائل بپردازیم و تحلیلی روشن از آن‌ها ارائه دهیم، چه این‌ها:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

محسن ایزدی - دانشگاه قم

فروردین ۱۳۹۶